خبر

فعالیت های زود هنگام انتخاباتی در گلستان رصد می‌شود

رئیس کل دادگستری گلستان از رصد کامل شبکه های مجازی و فعالیت های زودهنگام انتخاباتی در گلستان خبرداد. به گزارش مهر، به نقل از دادگستری گلستان، هادی هاشمیان، در نشست ستاد جرایم خاص استان گلستان، با اشاره به فضای آرام استان در انتخابات سال های گذشته گفت: تلاش می کنیم با کمک مردم و مسئولان در انتخابات پیش رو نیز شاهد برگزاری انتخابات سالم و آرام در استان باشیم. هاشمیان با تاکید بر این که اجازه نخواهیم داد عده ای فرصت طلب و سودجو، فضای آرام و سرشار از وحدت و همدلی استان را خدشه دار کنند افزود: به این منظور سایت ها، شبکه های اجتماعی و رسانه های استان رصد می شود تا از بروز هر گونه مشکل در آینده پیشگیری کنیم. وی از برگزاری برخی نشست ها و سخنرانی هایی که شائبه تبلیغاتی زودهنگام انتخاباتی در استان دارند انتقاد کرد و گفت: باید حواسمان باشد این محافل بستری برای سوء استفاده و کشمکش در بین اقوام و گروه های ساکن در استان نشود.رئیس کل دادگستری گلستان در بخش دیگری از سخنان خود پایبندی و التزام به قانون را خط قرمز دستگاه قضایی استان اعلام کرد و گفت: مسئولان به عنوان کسانی که مجری قانون هستند باید بیش از مردم به قانون احترام بگذارند و به اجرای آن مقید باشند.

گرگان نقطه آغاز عملیات راه آهن گلستان به مشهد شد

در جلسه پیگیری اجرای مصوبه راه آهن گرگان– مشهد مقرر شد طبق دستور ریاست محترم جمهوری ایستگاه گرگان نقطه شروع عملیات در استان گلستان باشد. به گزارش مهر، به نقل از پایگاه اطلاع رسانی استانداری گلستان، در جلسه پیگیری اجرای مصوبه راه آهن گرگان– مشهد در نهاد ریاست جمهوری که به ریاست محمد شریعتمداری معاون اجرایی رئیس جمهوری و با حضور استانداران گلستان، خراسان رضوی و شمالی، ریاست راه آهن، معاون زیرساخت راه آهن و معاونان عمرانی استانداری های مذکور برگزار شد، شریعتمداری با ذکر تعهد دولت در اجرای پروژه و قول و تاکید رئیس جمهوری در سفر های استانی به سه استان ذینفع، اظهار کرد: اجرای این پروژه مطالبه ای از سوی مردم، استانداران و نمایندگان مجلس این استان ها از دولت است.در این نشست استانداران سه استان گلستان، خراسان شمالی و رضوی به مواردی همچون قول ریاست محترم جمهوری در سفر به استان به عنوان مصوبه و مطالبه مردمی، تاثیر اجرای پروژه در وصل استانهای شمالی و غربی به خراسان، بهره گیری زائران و حذف تردد وسایل نقلیه شخصی، کاهش صدمات جاده ای، اتصال به آسیای مرکزی، رونق اقتصادی بویژه در اینچه برون و تکمیل سرمایه گذاری صورت گرفته در این منطقه اشاره کردند. در خاتمه این جلسه مصوب شد که وزارت راه و شهرسازی حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز نسبت به تهیه جزئیات اجرای کامل پروژه و تقسیم وظایف هر دستگاه اقدام و گزارش آن را به معاونت اجرایی ارائه کند.همچنین این وزارت خانه مسئول پیگیری و مذاکرات لازم با سایر دستگاه ها و آستان قدس رضوی و تامین فاینانسور خارجی شد.در این جلسه مقرر شد طی یک هفته استانداری خراسان رضوی، آستان قدس و وزارت راه و شهرسازی طی جلسه ای نحوه مشارکت نهایی آستان قدس با توجه به اعلام تمایل به مشارکت در اجرای پروژه را مشخص کند.

مفقودی

مدارک پزشکی دکتر علیرضا نوری قلعه نو فرزند غلامرضا شامل پروانه دائم، پروانه مطب و کارت نظام پزشکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می گردد.

مفقودی

دفترچه کشاورزی به شماره مسلسل ۱۲۵ متعلق به رقیه صمدی فرزند میرجعفر واقع در روستای حیدرآباد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

۱۵ درصد جمعیت گلستان در سکونت گاه‌های غیر رسمی زندگی می کنند

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان گفت: بیش از ۱۵ درصد از جمعیت استان در سکونتگاه های غیر رسمی و حاشیه شهرها زندگی می کنند.به گزارش مهر، به نقل از استانداری گلستان، علی اصغر طهماسبی در جلسه کارگروه اجتماعی و فرهنگی استان بیان کرد: طبق گزارش ها ۴۱۰ هکتار سکونت گاه غیر مجاز در گلستان وجود دارد که معتقدیم این رقم در حال حاضر بیش از این است و به دلیل اینکه بودجه ای که وزارت کشور در این خصوص به استان گلستان می دهد بر اساس همین ارقام است، بایستی آمار دقیق و به روز آن تهیه شود.رئیس کارگروه اجتماعی و فرهنگی استان گفت: حاشیه نشینی یکی از پنج آسیب اجتماعی جدی است که می تواند ریشه بسیاری از آسیب های دیگر و حتی برخی از چالش های امنیتی باشد.وی ادامه داد: بحث حاشیه نشینی مورد اهتمام هر سه قوه اجرایی، مقننه و قضاییه قرار دارد و در دولت تدبیر و امید بیش از ۱۱ میلیون حاشیه نشین کشور تحت پوشش بیمه‌ای قرار گرفته اند.معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار افزود: در همین حاشیه شهر گرگان رشد حاشیه نشینی در سال‌های اخیر کاملا قابل لمس بوده و اگر اقدامی برای جلوگیری از این معضل اجتماعی صورت نگیرد در سالهای بعد با رشد چشمگیر آسیب های اجتماعی مواجه خواهیم بود.طهماسبی خاطرنشان کرد: مصوبات کارگروه اجتماعی و فرهنگی حتماً مورد اهتمام دستگاهها قرار گرفته و عملیاتی شود.وی با بیان اینکه دستگاهها باید به اجرای مصوبات پایبند باشند، اضافه کرد: چنانچه هر مصوبه ای در زمان خودش پیگیری و اجرایی شود بسیاری از مشکلات و معضلات پس از آن بوجود نمی آید.رئیس کارگروه اجتماعی و فرهنگی استان مشکلات اقتصادی، شکاف بین نسلی و شکنندگی فضای سیاسی با توجه به نزدیک شده به ایام انتخابات، را سه چالش مهم پیش روی کشور عنوان کرد و گفت: برای حل مشکلات همه باید دست به دست همدیگر داده و از همه ظرفیت ها استفاده کنیم.طهماسبی در پایان خواستار اهتمام هر چه بیشتر فرمانداران با موضوع سکونت گاه‌های غیررسمی و حاشیه نشینی در شهرها شد.

توسعه‌ی صنعت نفت و گاز در گلستان

سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی گفت: مطابق مطالعات زمین‌شناسی انجام‌شده گلستان ظرفیت ذخیره‌سازی، استخراج و پالایش نفت و گاز دارد.به گزارش مهر، اسدالله قره خانی درباره برنامه ششم توسعه اظهار کرد: در این برنامه افزایش یک‌میلیون تنی تولید نفت و ۲۵۰ میلیون مترمکعبی گاز پیش‌بینی‌شده است.وی افزود: هم‌اکنون تنها دو درصد از سوخت کشتی‌های خلیج‌فارس توسط ایران تأمین می‌شود که این رقم در برنامه ششم توسعه ۵۰ درصد دیده‌شده که با کمک بخش خصوصی می‌تواند سهم ما در این حوزه را به بیش از هشت میلیارد دلار برساند.نماینده مردم علی‌آبادکتول و بخش کمالان در مجلس شورای اسلامی یادآور شد: در برنامه ششم میزان تولید برق کشور ۲۵ هزار مگاوات پیش‌بینی‌شده که پنج هزار مگاوات آن انرژی نو و تجدید پذیر اعم از خورشیدی، بادی، ژئو نرمال و زیست‌توده است.قره خانی تصریح کرد: تولید ۱۵۰ میلیون تنی پتروشیمی و ۲۷ فازی تولید گاز در پارس جنوبی هم از دیگر برنامه‌های تعیین‌شده در برنامه ششم توسعه است که حداقل سرمایه‌گذاری ۵۰ میلیارد دلاری در بخش گاز و سایر بخش‌های این حوزه را به همراه دارد.وی ادامه داد: بر اساس داده‌های لرزه‌نگاری دوبعدی و سه‌بعدی و همچنین محاسبات علمی گلستان دارای ذخایر نفت و گاز است و امیدواریم نتایج اکتشافات گاز در «کپی داغ» در شمال گلستان به سمت‌وسوی بهره‌برداری و استقرار صنایع تبدیلی برود. سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی اضافه کرد: همچنین در یک مرحله حفاری در «صوفیکم» انجام شد اما عمقی نبود و با وزیر صحبت شده و در برنامه ششم اکتشافات نفت و گاز گلستان در برنامه دیده‌شده است. قره خانی از انجام مطالعات زمین‌شناسی در «قزل تپه» در گلستان خبر داد و خاطرنشان کرد: ترکیبات متخلخل حاکی از آمادگی گلستان برای ذخیره‌سازی گاز دارد و این موضوع به مناقصه گذاشته‌شده و اگر سرمایه‌گذار داشته باشیم ظرفیت تزریق گاز، انجام اکتشافات و استخراج و پالایش نفت در گلستان وجود دارد و می‌توانیم در زمان نیاز مصرف کنیم. وی بیان کرد: هم‌اکنون تنها از حرارت نیروگاه علی‌آبادکتول استفاده می‌شود و در برنامه ششم سیکل ترکیبی (بخار) و تولید ۵۰۰ مگاوات برق در آن دیده‌شده که با اضافه شدن آن زیرساخت‌های برق گلستان تأمین می‌شود.سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی همچنین از تأمین اعتبار ۴۰۰ میلیون یورویی آن از طریق تسهیلات صندوق توسعه ملی خبر داد و گفت: مطالعات انرژی خورشیدی و نصب پنل های آن در دونقطه استان انجام‌شده و با پیگیری نمایندگان استان بخشی از سدهای استان گلستان که قبلاً تخصیص آب آن از سوی خراسان شمالی قطع‌شده بود احیاء شده و سد زده می‌شود.قره خانی افزود: سد شصت کلا و نرماب مینودشت و تسهیلات ۱۰۰ میلیون دلاری بانک توسعه اسلامی از طریق فاینانس برای پایاب سد کبودوال و زرین گل در علی‌آبادکتول پیش‌بینی‌شده است.به گفته نماینده مردم علی‌آبادکتول و بخش کمالان در مجلس شورای اسلامی با اجرای برنامه ششم توسعه شاهد تحول عظیم در حوزه‌های مختلف در استان خواهیم بود.

واکنش مدیرکل ارشاد گلستان به حاشیه‌های خبرساز هفته خبرنگار

وعده ۵۰ میلیون تومانی استانداری به خانه مطبوعات کذب است

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان گفت: ۵۰ میلیون تومان اعتبار برای بزرگداشت هفته خبرنگار از محل اعتبارات دستگاه پیش‌بینی‌شده و اینکه عده‌ای مطرح کردند استانداری وعده کرده این مبلغ به حساب خانه مطبوعات واریز شود، کذب است. به گزارش فارس، حجت‌الاسلام علی‌اصغر فضیلت اظهار کرد: در جلسه‌ای که هیأت مدیره خانه مطبوعات با استاندار گلستان داشت، به استاندار عرض کردم ما مشکلی برای برگزاری روز یا هفته خبرنگار در استان نداریم، اعتبار وجود دارد اما نقدینگی نداریم به همین دلیل از ایشان خواستم تا دستور بدهند از اعتبارات دستگاه مبلغ ۵۰ میلیون تومان که قرار است خزانه ۶ ماه دیگر بدهد را زودتر به ارشاد بدهند. وی با اشاره به اینکه اعتبارات دستگاه را نمی‌توان در جای دیگری هزینه کرد، افزود: اعتبارات دستگاه باید در موضوعات همان دستگاه هزینه شود اما دوستان این موضوع را متوجه نشدند استاندار هم قول داد و به خزانه سفارش کرد که این مبلغ را زودتر به ما بدهند و ما خودمان پیگیری کردیم و ۵۰ میلیون تومان را زودتر به ما دادند.

اگر دستگاهی بنا دارد به خانه مطبوعات کمک کند چرا آن را به فرهنگ و ارشاد بدهد!

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان تصریح کرد: این جمله که ۵۰ میلیون تومان از اعتبارات دستگاه است برای خانه مطبوعات جا نیفتاده و آنها بر این باور هستند که استانداری ۵۰ میلیون تومان را به خانه مطبوعات داده است و این مبلغ باید به حساب این تشکل صنفی واریز شود در حالیکه این حرف اصلا اداری نیست. فضیلت ادامه داد: اگر دستگاهی بنا دارد که به خانه مطبوعات کمک کند چرا آن را به فرهنگ و ارشاد بدهد! مستقیما آن را به خانه مطبوعات می‌دهد.وی با اشاره به اینکه ارشاد قول داد که ۵۰ میلیون تومان را فقط در حوزه رسانه و مطبوعات هزینه کند، افزود: ۳۰ میلیون تومان برای هفته خبرنگار هزینه شده است قرار بر این بود هر چه در هزینه‌ها صرفه‌جویی شده باشد باقیمانده آن در صندوق حمایت از خبرنگاران هزینه شود.

لیست اهدای هدیه خبرنگاران به ارشاد واقعی نیست

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان گفت: بنا نیست که این مبلغ به حساب خانه مطبوعات واریز شود چراکه دستگاه نظارتی از ما گزارش می خواهد شاید دیگران چنین کاری کنند ولی بنده چنین کاری نمی‌کنم و نمی توانم پول را به حساب خانه مطبوعات واریز کنم.فضیلت به عدم دریافت کارت هدیه روز خبرنگار از سوی فعالان رسانه عضو این تشکل صنفی تصریح کرد: برخی اعضای خانه مطبوعات به بنده گزارش کردند که هدیه روز خبرنگار را دریافت نکردند، حالا چه کسی باید پاسخگو باشد، آنها ارشاد را می‌شناسند، درست است واریز پول نیم ساعته انجام می‌شود اما پاسخگویی آن مهمتر است.وی افزود: لیستی که خانه مطبوعات برای اهدای هدیه خبرنگاران به ارشاد ارائه کرده واقعی نیست، در جلسه‌ای که در خانه مطبوعات برگزار کردیم بنا بود که قبل از ۱۷ مرداد لیست پالایش شده اعضای این تشکل به ارشاد ارائه شود که تهیه و ارائه این لیست تا یک ماه بعد از هفته خبرنگار طول کشید.

خانه مطبوعات تکلیف صندوق حمایت از خبرنگاران را مشخص کند

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان بیان کرد: بنده درباره لیست اعضای خانه مطبوعات به دنبال مقصر نمی‌گردم علت اینکه مقاومت می‌کنم و می‌گویم که نباید ۵۰ میلیون تومان را همین طوری به حساب خانه مطبوعات واریز کنم برای این است که به دیوان و بازرسی بعداً از ارشاد، حسابرسی می‌کنند آنها دیگر خانه مطبوعات را نمی‌شناسند.فضیلت ادامه داد: این حرف کذب را برخی دوستان مطرح کردند که استاندار گلستان وعده داد که ۵۰ میلیون تومان به حساب خانه مطبوعات واریز شود این پول قرار است برای جامعه خبری صرف شود اما قرار نیست که به حساب این تشکل واریز شود ما چگونه می‌توانیم پول بی‌زبان را دو دستی جایی بدهیم که معلوم نیست چگونه هزینه می‌شود، بنده هم باید پاسخگوی دستگاه نظارتی باشم.وی با اشاره به اینکه خانه مطبوعات هنوز تکلیف ۲۰ میلیون تومان باقی مانده از مبلغ ۵۰ میلیون تومان را مشخص نکرده است، ابراز کرد: هر لحظه که خانه مطبوعات تصمیم بگیرد صندوق حمایت از خبرنگاران به صورت استانی تشکیل شود و صندوق استانی ثبت کنند فردای آن روز پول به حساب واریز می‌شود.

برای ارشاد فرقی نمی‌کند که صندوق حمایت از خبرنگاران استانی باشد یا ملی

فضیلت افزود: خانه مطبوعات طی نامه‌ای به ارشاد اعلام کرده که مبلغ ۲۰ میلیون تومان به صندوق ملی واریز شود اما تعدادی از هیات مدیره خانه مطبوعات مخالف صندوق ملی هستند و هنوز وضعیت ملی یا استانی بودن صندوق در خانه مطبوعات تعیین تکلیف نشده است، آنها حتی یک ساعت بعد هم تکلیف را مشخص کنند ما تصمیم خودمان را خواهیم گرفت.فضیلت با تاکید بر اینکه برای ارشاد فرقی نمی‌کند که صندوق حمایت از خبرنگاران استانی باشد یا ملی تصریح کرد: ما می خواهیم یک صندوق حمایت از خبرنگاران اتفاق بیفتد خانه مطبوعات به نمایندگی از جامعه خبری باید بگوید که این صندوق ملی یا استانی باشد.وی در خصوص توزیع آگهی نیز گفت: توزیع آگهی به خانه مطبوعات واگذار نشده است این تشکل اگر نسبت به توزیع آگهی اقدام کنند خلاف قانون مرتکب شدند، قانون ماموریت و شرح وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را مشخص کرده است، مصوبه مجلس است که تمامی دستگاه‌ها آگهی‌شان را باید از طریق ارشاد توزیع کنند.

رقابت منفی بین رسانه‌ها وجود دارد

فضیلت خاطرنشان کرد: متاسفانه این گله از جامعه رسانه استان وجود دارد که اصلا این موضوع را پیگیری نکردند در نخستین جلسه شورای اداری بعد از انتصاب مطرح کردم توزیع عادلانه آگهی باید انجام شود بسته حمایتی که مطرح کردم یکی از موضوعات توزیع آگهی بود که اگر به ۶۰ درصد آن عمل می‌شد رسانه‌ها مشکل مالی نداشتند.فضیلت با اشاره به اینکه متاسفانه یک رقابت منفی بین رسانه‌ها وجود دارد، گفت: استاندار گلستان یک نامه به اقتصاد و دارایی نوشتند که از طریق ذی‌حسابان، دستگاه‌هایی که بابت آگهی‌های خارج از گردونه سندهایی توزیع می‌کنند به هیچ وجه این سندها پاس نشود که این ضمانت اجرایی محکمی بود ولی هیچکدام از رسانه‌ها و خبرنگاران از مدیر دستگاه‌های اجرایی مطالبه نکردند.وی افزود: ما از خبرنگار نمی‌خواهیم که با مسئول دستگاه گلاویز شود فقط سوال کند که آگهی آن سازمان یا نهاد چگونه توزیع می‌شود و یا در طول سال آنها چه تعداد آگهی دارند و یا اینکه توزیع آگهی از طریق ارشاد انجام می‌شود یا خیر؛ رصد این موضوعات رسالت یک رسانه و خبرنگار است، مطالبه کردن سبب می‌شود که دستگاه‌ها به قانون تمکین کنند.

آگهی‌های ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان مینودشت تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است.لذا مشخصات متقاضیان و املاک موردتقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دونوبت به فاصله پانزده روزاز طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار و محلی آگهی می شود. در صورتی که اشخاص ذی نفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشنداز تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت مینودشت تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند، اداره ثبت محل باید مبادرت به صدور سند مالکیت نماید. صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست

پلاک ۳۵-اصلی بخش نه حوزه ثبتی مینودشت

۱- کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۶۰- آقای / خانم فاطمه قزل سوفلوفرزند ولی اله مقدار ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۵۰/۷۷ متر مربع از پلاک فرعی ۱/۳۹۱۴ مع الواسطه خریداری از مالک محمد قره جلو

پلاک ۴۸-اصلی بخش نه حوزه ثبتی مینودشت

۲- کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۳۳۶- آقای / خانم عوض مشهدیفرزند اسمعیل ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۸۱/۰۲ مترمربع پلاک فرعی ۲۷۹انتقالی مع الواسطه از اسماعیل قره سوفلو

۳-کلاسه ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۴۲- آقای / خانم فاطمه مقدم فرزند عیسی ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۲۸/۰۰ مترمربع پلاک فرعی ۲۹۷ انتقالی مع الواسطه از اسمعیل مشهیدی

۴- کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۱۰- آقای / خانم زهرا اله صوفی فرزند دادی ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۲۶/۴۳ مترمربع پلاک فرعی ۲۹۷ انتقالی مع الواسطه از اسمعیل مشهیدی

۵- کلاسه ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۱۴۹- آقای / خانم فاطمه سراوانیفرزند علیجان ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۱۸ مترمربع پلاک فرعی ۲۹۸ انتقالی مع الواسطه از موسی قره چماقلو

۶- کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۲۰- آقای / خانم حسین ساسانیفرزند یوسف ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۹۳/۳۸ مترمربع پلاک فرعی ۳۴۰ انتقالی مع الواسطه از علی اصغر قره سوفلو

۷- کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۱۴۲- آقای / خانم صفیه شمرادی فرزند عزیز ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۸۳/۲۶ مترمربع پلاک فرعی ۳۴۴ انتقالی مع الواسطه از بدرالنساء کرامتلو

۸- کلاسه ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۱۷۸- آقای / خانم علی اکبر ممشلوفرزند محمدرضا ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۴/۷۰ مترمربع پلاک فرعی ۳۴۸ انتقالی مع الواسطه از رمضانعلی امینی

۹- کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۷۱۳- آقای / خانم محمد رضا سراوانیفرزند حسین ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۴۲/۱۹ مترمربع پلاک فرعی ۳۱۷ انتقالی مع الواسطه از محمد قره چماقلو

۱۰- کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۳۰۷- آقای / خانم ولی الله میرزایی نسب فرزند رضا ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۰۶/۱۰ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۱ انتقالی مع الواسطه ازعباس شهمرادی

۱۱- کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۲۱۵- آقای / خانم مهنا بهرامیفرزند حسنمقدار سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۴۷/۱۰ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۵ انتقالی مع الواسطه از حسن خان کرامتلو

۱۲-کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۲۲۵- آقای / خانم مریم بهرامی فرزند حسن مقدار سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۴۷/۱۰ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۵ انتقالی مع الواسطه از حسن خان کرامتلو

۱۳- کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۰۲- آقای / خانم مجتبی زارعیفرزند اسمعیل ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۰۲/۷۹ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۶انتقالی مع الواسطه از اماموردی کرامتلو

۱۴- کلاسه ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۶۷۴- آقای / خانم معصومه بشارتلو فرزند محمدقلی مقدار سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۰۹/۱۴ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۶انتقالی مع الواسطه از ابوالقاسم کرامتلو

۱۵- کلاسه ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۰۸- آقای / خانم اصغر پردیس فرزند ادریس ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۰ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۶ انتقالی مع الواسطه از باقر آگی

۱۶-کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۷۵۴- آقای / خانم مرتضی ممشلیفرزند حسن ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۸۱/۴۱ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۲ انتقالی مع الواسطه ازرضا قلی شهمرادی

۱۷- کلاسه ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۱۹۵- آقای / خانم رضا عینی اردهائی فرزند محرم ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۸۵/۵۹ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۲ انتقالی مع الواسطه ازرضا قلی شهمرادی

۱۸- کلاسه ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۵۸- آقای / خانم اکبر کرامتلو فرزند محمد یوسف ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۵۳/۶۲ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۸ انتقالی مع الواسطه از محمدیوسف کرامتلو

۱۹- کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۴۰۸- آقای / خانم مهدی صادقی اصلفرزند عزیزششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۵۳/۹۴ مترمربع پلاک فرعی ۳۶۱ انتقالی مع الواسطه از شهربانو سنجه ونلی

۲۰- کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۱۱- آقای / خانم قربان میردار فرزند عیسی ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۷۶/۵۷ مترمربع پلاک فرعی ۳۸۰ انتقالی مع الواسطه از عباسقلی بشراتلو

۲۱- کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۲۴- آقای / خانم رجبعلی طورانیفرزند محمد ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۰۱/۷۸ مترمربع پلاک فرعی ۳۹۲انتقالیمع الواسطه ازحاجیه نساءقره چماقلو

۲۲- کلاسه ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۱۰- آقای / خانم مهدی سلیمانگلی فرزند غلامرضا ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۹۷/۴۰ مترمربع پلاک فرعی ۳۹۲ انتقالی مع الواسطه از عباسقلی قره چماقلو

۲۳- کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۰۸- آقای / خانم سیده سمیه قاضوی فرزند سید عباس ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۴۹/۰۰ مترمربع پلاک فرعی ۳۵۷ انتقالی مع الواسطه از عباس قنبری

۲۴- کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۴۶۵- آقای / خانم خلیل نریمانیفرزند آقا رضاششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۵۰/۰۰ مترمربع پلاک فرعی ۴۰۰ انتقالی مع الواسطه از علی آذرکیش

۲۵- کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۸۸- آقای / خانم مهدی کرامت لو فرزند محمد علی ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۹۳/۲۰ مترمربع پلاک فرعی ۴۰۱ انتقالی مع الواسطه از حسن خان کرامتلو

۲۶- کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۵۲- آقای / خانم روح اله شهمرادی فرزند علی اکبر ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۱۹/۵۰ مترمربع پلاک فرعی ۴۲۷ انتقالی مع الواسطه از حسین قره چماقلو

۲۷- کلاسه ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۰۶۶- آقای / خانم اکبر طاهری فرزند عباس ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت۱۰۰ مترمربع پلاک فرعی ۴۰۳ انتقالی مع الواسطه از محمد و احمد کرامتلو

۲۸-کلاسه ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۶۰۰۰۴۱۷- آقای / خانم عابدین نوری فرزند کوچکششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۷۶/۵۰ مترمربع پلاک فرعی ۲۰۶۸ انتقالی مع الواسطه از مسلم کوهی

م.الف: ۸۵۷۸

تاریخ انتشار نوبت اول۱۳۹۵/۱۱/۰۲- تاریخ انتشار نوبت دوم۱۶ /۱۱/ ۱۳۹۵

حسین باغبانی/رئیس ثبت اسنادو املاک مینودشت

خبر

هنر ابزار مناسبی برای ترویج دین است

امام جمعه رامیان گفت: باید زمینه های استفاده صحیح از هنرهای تجسمی و قرآنی فراهم شود زیرا هنر ابزار مناسبی برای ترویج دین است.به گزارش مهر، حسین طاهری در مراسم اختتامیه جشنواره قرآن و عترت شهرستان رامیان، اظهارکرد: ارائه آثار قرآنی مایه مسرت و افتخار است. این آثار فاخر باعث گسترش و توسعه فرهنگ قرآنی، مذهبی و دینی می شوند.وی با بیان این که می توانیم با ابزار هنر، جوانان را به سمت دین سوق دهیم، تصریح کرد: خالق هنر خداوند کریم است و زیبایی ها رو دوست دارد. هنرهای تجسمی هنرهای دیداری هستند وانسان بایدبا دیدن، آشنایی و بهره گیری از تکنیک های هنرهای تجسمی بهره کافی از زیبایی ها و پیامهای الهی و معنوی را دریافت کند.امام جمعه رامیان گفت: قرآن دارای همه عناصر هنری بوده و انسان با شنیدن، دیدن و تلاوت آن لذت می برد. امروزه بحث آسیب های اجتماعی فراگیر شده و راه برون رفت از این مشکل برگزاری چنین جشنواره های هنری و دینی است. وی در پایان خاطرنشان کرد: قرآن، نقشه راه زندگی را به ما نشان می دهد و توجه به مسائل قرآنی چراغ راه هدایت و سعادت جوانان ما است.

۲۹ روستای گنبد کاووس با تانکر آبرسانی می‌شود

مدیر آب و فاضلاب روستائی گنبدکاووس گفت: هم اکنون به ۲۹ روستا و نقطه جمعیتی در شهرستان با تانکر آبرسانی می‌شود.به گزارش تسنیم، سیدمهدی حسینی درباره وضعیت آبرسانی به روستاهای این شهرستان اظهار داشت: در بخش مرکزی ۱۳۱ روستا و در بخش داشلی برون ۳۰ روستا وجود دارد، که از این تعداد ۲۹ روستا و نقطه جمعیتی با تانکر آبرسانی می‌شود.وی افزود: با توجه به اینکه شهرستان گنبدکاووس در منطقه گرمسیری و نیمه خشک قرار دارد و خشک بودن و یا تلخ و شور بودن سفره‌های زیرزمینی، دامداری‌ها و مرغداری‌های سنتی و صنعتی از آب روستایی استفاده می‌کنند.مدیر آب و فاضلاب روستائی شهرستان گنبدکاووس تصریح کرد: تعداد ۱۶۰ دامداری و مرغداری و ۳ میلیون قطعه جوجه و هزاران راس دام سبک و سنگین، که بیشتر در بالای گرگان‌رود واقع شدند از آب روستایی تغذیه و پرورش می‌یابند. حسینی گفت: با توجه به نوسانات فشار آب در روستای اراز محمد آخوند از توابع بخش مرکزی، در حال احداث یک باب مخزن فلزی هوایی به حجم ۱۰۰ مترمکعب هستیم.مدیر آب و فاضلاب روستایی شهرستان گنبدکاووس اظهار داشت: تاکنون این مخزن ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته و این عملیات بالغ بر ۲ میلیارد ریال اعتبار نیاز دارد.وی تصریح کرد: با پایان این پرورژه ۴ هزارو ۶۱۰ مشترک این روستا از نعمت آب شرب بهره‌مند می‌شوند.حسینی افزود: به علت فرسودگی شبکه آبرسانی روستای ایمر ملاساری از توابع بخش مرکزی و به منظور جلوگیری از هدر رفت آب در حال تعویض شبکه فرسوده آب در این روستا هستیم.مدیر آب و فاضلاب روستایی شهرستان گنبدکاووس ادامه داد: اجرای تعویض این شبکه به طول ۱۵ هزارو ۶۹۴ مترمربع با استانداردسازی ۵۹۹ مورد انشعاب خواهد بود.

شرکت خدماتی پاک نیمای گرگان
جهت تکمیل کادر خدماتی، نظافتی به تعدادی آقا و خانم متاهل نیازمند است.
حداکثر تماس تا ۹۵/۱۱/۱۵
۳۲۲۵۳۹۰۸_۳۲۲۲۹۲۰۹

شرکت خدماتی پاک نیمای گرگان
آمادگی خود را جهت نظافت منازل، ادارات، شرکت های دولتی و خصوصی اعلام می دارد.
۳۲۲۵۳۹۰۸_۳۲۲۲۹۲۰۹

نسخه اینترنتی روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

ضرورت اندیشه ورزی

سعید حیدرزاده-ارسطو حیوان ناطقش نامید ، مارکس ابزار سازش خواند و دکارت موجودیتش را از اندیشه نتیجه گرفت . انسان ، این پیچیده ترین مقوله هستی که با حضورش قواعد پیش بینی پذیر ماده در حال حرکت را برهم زد و جبر هستی را با سد اختیار رو برو ساخت تمامی این سیاره را انسانی (به مفهوم حضور فیریکی اش) کرد.اما چگونه و چرا ؟ امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که مسیر پر فراز و نشیب انسان از کرومانیون تا هومو ساپینس و سپس تا اجداد ما از طریق کدامین ویژگی انسان به هم پیوسته است . آنچه ضرورت پرداختن به آن را دارد اینست که انسان اینک در چه نقطه ویژه ای از تاریخ خویش ایستاده و چرا ضرورتا ناگزیر است متهورانه علیه خویشتن خویش قیامی مستمر را اعمال کند. این مطلبی است که امیدوارم توانایی بیان آن را در جند خط زیر برنداشته باشم .

با کشف DNA و تاثیر تعین کننده آن در ساختار ژنیتیکی موجودات ، اشتراک بیش از ۹۰ در صد از DNA انسان بامرغ خانگی و یا ۷۰ در صد باموش و بیش از ۹٤ در صد باشامپانزه ،انسان را به این فکر میاندازد که این تفاوت بارز انسان با سایر اجزای هستی که به کلی او را در مرتبه ای مجزا از بقیه عالم قرار میدهد از چه چیزی ناشی میشود ؟

آنچه در وهله اول ذهن را بر میانگیزد اینست که این تفاوت کیفی است و نه کمی . به این معنی که ما با جانوران فقط در کمیت ها از جمله مقدار هوش و مقدار توانایی و تسلط بر ابزار سازی و یا سایر استعدادها تفاوت نداریم . آنچه انسان را سلطان بلا منازع این سیاره کرده است همان است که انسان از آغاز به آن کمابیش پی برده بود . همان که در قدیمی ترین متون که سر آغاز اندیشه منسجم انسان بود ه نیز آمده است . همان که با شکستن قواعد منع دانه منع شده انسان به دست میاورد .» آگاهی «.

اما آگاهی فقط انعکاس واقعیت های عینی در ذهن به شیوه ای آئینه وار نیست. اگر جنین بود جانوران نیز توانایی این انعکاس را داشته و دارند . آگاهی در معنی انسانی خود عبارت از نتیجه گیری هایی بود که انسان در دستگاه پیچیده سیستم عصبی میتوانست انجام دهد. این دستگاه عظیم هم جون آزمایشگاهی مواد اولیه هستی را در محیط ویژه خویش در هم میامیزد و نتایج آن را به سود زندگی به کار میگیرد. دستگاهی که میتواند مجهول را از آنچه به طور عینی معلوم است نتیجه گیری کند. همه عظمت انسان در همین جا متجلی میشود. استخراج نتیجه نامعلوم از آنچه معلوم است. این استعداد یا توانایی همان است که منطق نام گرفته و روندی که منطق را حیات میبخشد همانا اندیشه یا تفکر است .

اما شگفت آنکه صرف اندیشه یا تفکر مختص انسان نیست . جانوران نیز میاندیشند. با این تفاوت که اندیشه آنها سخت وابسته نمودهای عینی هستی است . توضیح اینکه اندیشه یا تفکر چیزی نیست جز توانایی بر قراری ارتباط میان نمودها و استخراج نتیجه از آنها. در این معنی آزمایشات نشان داده که جانوران نیز میتوانند میان نمودهای عینی (مثلا چند جعبه جدا از هم که در قفس گذاشته شده و منبع غذایی که در بلندی غیر قابل دسترس گذاشته شده) ارتباط بر قرار کرده و با قرار دادن جعبه ها روی یکدیگر (ارتباط بر قرار کردن میان نمودها) به نتیجه معینی (دسترسی به منبع غذایی) که دلخواه آنان است دست یابند. این اقدام همان چیزی است که در تعریف، به آن تفکر میگویند. بنابر این بر خلاف باور عمومی که گویا جانوران نمیاندیشند آنها نیز توانایی اندیشه دارند.

تفاوت کیفی میان اندیشه انسان و اندیشه جانوران از اینجاست که انسان غیر از نمودهای عینی با نمودهای دیگری که میتوان از آنها به عنوان نمودهای ذهنی یاد کرد سرو کار دارد. توضیح اینکه از آن هنگام که انسان برای نمودهای عینی هستی نام هایی برگزید در واقع از طریق به هم پیوستن ویژگیهای مجزای نمودهای عینی و گرد آوردن آنها در یک واژه(مثلا سبز یا وزن یا محبت یا قیام یا صداقت) برای اولین بار در تاریخ این سیاره چیزی به نام «مفهوم « خلق شد. چیزی که انسان از همان ماههای اولیه زندگیش با آن آشنا میشود و در میان میلیونها مفهوم که با نشانه های کلامی (سیستم علائم ثانویه یا به قول پاولوف نشانه نشانه ها) مدلی از جهان را برای خویش در ذهن میسازد. بدینسان انسان در قالب مفهوم میاندیشد و جانوران در قالب تصویر نمودهای عینی که سخت منضم به واقعیت است. به زبان دیگر میتوان گفت جانوران اندیشه انضمامی است و حال آنکه انسان علاوه بر آن دارای اندیشه انتزاعی دنیز هست . آنچه انسان را به غول سیاره زمین تبدیل میکند استعداد او در اندیشه انتزاعی است . از طریق اندیشه انتزاعی و اندیشه در قالب مفهوم است که قوانین هستی کشف میشوند. در قالب این اندیشه است که انسان میتواند با شناخت تعدادی از عناصر تشکیل دهنده سیاره به این نتیجه برسد که باید عناصر دیگری هم وجود داشته باشند که هنوز کشف نشده اند(جدول مندلیف) . در قالب این اندیشه است که انسان میتواند کشف کند که باید نور هم در اثر جاذبه از مسیر خطی خود خارج شود بدون آنکه امکان چنین آزمایشی را در هنگام بیانش داشته باشد (نظریه انیشتین) . به مدد این اندیشه است که انسان در اوج غرور از قرار گرفتن در قله های پیروزی بر طبیعت اعلام میکند که آنچه بیشتر اعمال انسان را فرمان میدهد نه آگاهی او که از ناخود آگاهش سر چشمه میگیرد (فروید و نظریه ناخود آگاهش) ودهها و صدها نمونه دیگر که همه آنها معجزه های اندیشه انتزاعی (که مسامحتا از این به بعد آن را اندیشه میخوانیم)در قالب مفهوم است که انسان را در جنین جایگاه رفیعی قرار میدهد. اندیشه که ویژگی متمایز کننده انسان و هویت بخش اوست وابسته به مفهوم و مفهوم محصول نام گذاری است اما نام گذاری خود ، زیر مجموعه زبان و زبان امری است اجتماعی که حاصل زندگی جمعی انسان است . از اینجاست که انسان برای آنکه انسان شود وابسته زندگی جمعی است و محصول زندگی جمعی است . انسان ، انسان زاده نمیشود بلکه انسان میشود و همین امر تفاوت عظیم میان انسان و سایر جانوران است. هر جانوری چنانچه شرایط تامین بقای مادی او فراهم باشد بدون نیاز به حضورسایر هم نوعانش به مدد برنامه ریزی DNAخود فردی از همان نوع میشود اما انسان چنانچه در بدو تولد از جمع جدا افتاده باشد هرگز به زبان دست نمیابد و هرگز توانایی اندیشه انتزاعی نمیابد و در این مفهوم هرگز انسان نمیگردد بلکه موجودی جانور گونه خواهد شد که در پاسخ بهنیازهای غریزی تلاشهایی میکند. این را نمونه های نوزادان از جامعه جدا افتاده نشان داده اند.(گاسپار هوزر) اما این نکته هنوز به معنی آن نیست که ارزش و اهمیت اندیشه و اندیشه ورزی در سراسر تاریخ هستی انسان از اعتبار یکسان بر خوردار بوده است . تا پیش از دوران «مدرن « به تبع ساختار ایستای زندگی اجتماعی اندیشه نیز دجار رخوت است اما با پدید آمدن مدرنیسم و سر بر آوردن مناسبات تازه بشری پس از رنسانس و به ویژه پس از انقلاب صنعتی در غرب ، همه مناسبات فرهنگ مادی و معنوی انسان پیش از دوران مدرن شخم زده میشود و رابطه میان اندیشه و واقعیت تنگ تر شده و آنچه اندیشیده میشود میتواند در عرصه عمل به نمودی عینی که زندگی را بطور مستقیم تحت تاثیر قرار میدهد تبدیل شود. دوران مدرن فقط یک ارتقای کمی زندگی انسان و افزایش کمی قدرت او برای تسلط بر طبیعت و استفاده هوشمندانه از قوانین هستی نبود بلکه یک تغیر کیفی در نوع زندگی انسان و هویت بخشی او بود. انسان مدرن به تبع فرد گرایی فبلسفی از یکطرف و خرد باری اش از سوی دیگر نوع نگاهش به هستی متفاوت میگردد و یقین میابد که میتواند به مدد اندیشه حتی جهان را دگرگون کند. (امروز سخن از تغیر بسیار اندک مدار زمین به دست انسان مطرح است که تغیرات آب و هوایی را متناسب با نیازهای زیست محیطی خود گرداند) سرمایه داری فقط تغیر رابطه کالا پول کالا به پول کالا پول نبود . جنبش عظیمی بوجود آمد که انسان را به یکباره در همه عرصه های زندگی دگرگون کرد. در این زمینه مارکس که بزرگترین منتقد سرمایه داری بود بزرگترین ستایشگر آن نیز بود . در اولین دوران انقلاب صنعتی که از آن به عنوان صنعت دود کشی نام برده میشود کارخانه های عظیم با هزاران کارگر زیر یک سقف بوجود آمد. برای این دوران اندیشه ورزی هنوز در دایره نخبگان بود. خیل عظیم اعضای جامعه بزرگ نیازی به اندیشه ورزی نداشتند بلکه کار تکراری و مستمر آنها برای تولید مورد نیاز بود. همه چیز در قالب استانداردهای معین تعریف میشد.فیلم عضر جدید چارلی چاپلین یکی از بهترین نمونه های نمایشگر این دوره است.اما انقلاب صنعتی منجر به انقلابی بزرگتر میشود. انقلاب در عرصه اطلاعات . با بوجود آمدن کامپیوتر انسانی که در اولین مرحله انقلاب صنعتی نیروی بازوی خویش را به ماشین داده بود قادر میشود نیروی اندیشه و تفکر را به ماشین ها بسپرد. هوش مصنوعی و روبوت ها بسیاری از کارهای تکراری رابه عهده میگیرند. دوران استاندارد سازی به پایان میرسد و انسان تبدیل به خالق اندیشه های نو میگردد. از این لحظه به بعد است که نظام آموزشی و همه نهادها به جای تکرارآنچه بوده است ، نیاز به نو آوری و خلاقیت دارند. برای انسان امروز کافی نیست که «بداند» ، چرا که همه آنچه را که باید بداند با تکانه یک دگمه بر روی کامپیوترها به دست میاورد . آنچه اینک وضعیت او را در گردونه هستی رقم میزند آفرینش اوست است. فاصله میان اندیشه و عمل کوتاه و کوتاه تر شده است. خلاقیت در همه عرصه ها حرف اول رامیزند. اندیشه ورزی دیگر در تکرار سخن حکما خلاصه نمیشود این امر در دسترس همگان است . اندیشه ورزی امروز به آن معناست که همه احکام و همه ارزشها ضرورتا میبایستی دلیلی قانع کننده برای موجودیت خود داشته باشند. اکر تا دیروز واژه ها و یا مفاهیم مواد اولیه آزمایشگاه تفکر انسان بودند امروز انبوه دستاوردهای علمی و فلسفی انسان این مواد را فراهم میاورند. انیشه ورزی امروز در استعداد بهره جستن از انبوه اطلاعاتی است که هر چند وقت یکبار دو برابر میشود و ما با انفجار آن روبرو هستیم. اینست که در برنامه آکادمی های پیشرفته به جای تربیت متخصص که نحوه استفاده از دستاوردهای دانش را داشته باشند به امر « تربیت دانشمند « که استعداد خلق را در آنها نشانه میرود پرداخته اند. در جهانی که سه ویژگی برجسته : تغیر ، تنوع و تجدد اساس آن را شکل میدهد انطباق خلاق با این عوامل درحال تغیر تنها به مدد اندیشه ورزی مستمر ممکن است. بدون یاری جستن از اندیشه بیشک هزینه های گزاف عقب ماندن از گردونه تاریخ را که بی وقفه و بدون اراده ما پیش «پیش « میرود خواهیم پرداخت. اما اندیشه ورزی غیر از موانع اجتماعی موانع جدی دیگری هم دارد که به اختصار چند کلمه در باره آن سخن میرانیم .

از سوی دیگر انسان به ناگزیر در قالب فیزیولوژی ویژه ای زندانی است. ما نمیتوانیم از چارچوب قواعد حاکم بر این فیزیولوژی که محصول میلیباردها سال تکامل است رها شویم. این قالبی که ما در آن قرار گرفته ایم و آن ابر سیستم عظیم عصبی ما که استعداد اندیشه ورزی را برای ما به ارمغان میاورد در همین قالب قرار گرفته است و از قواعد همین قالب به ناگزیر تبعیت میکند. این قواعد که به لحاظ تاریخی برای بقای انسان ضرور بوده است در فضای فوق مدرن کنونی به عنوان مانع و رادعی برای او عمل میکند. به عنوان مثال «تعمیم « که از قواعد حاکم بر عملکرد ذهن است و خاصیت خود بخودی ذهن میباشد خالق همه الگوهای شناختی و رفتاری ما است که در عرف روانشناسی به آنها طرح واره میگویند.طرح واره ها که در دوران کودکی ما شکل میگیرد بر دو نوعند : سازگار و ناسازگار . طرح واره های ناسازگار مانعی جدی برای درست اندیشیدن در بزرگسالی ما میگردند. آنچنان که ما ناگزیریم پس از بلوغ و دست یافتن به استقلال شخصیتی از والدین خود ، مرتبا ذهن را از تاثیر مخرب آن تعمیم های دوران کودکی خنثی کنیم. ما ناگزیریم مرتبا علیه بخشی از این قواعد فیزیولوژیک که در ما نهادینه شده است «قیام کرده» و تاثیر آنها را خنثی کنیم. ما ناگزیریم مرتبا با عادت های خود که دشمن بزرگ اندیشه ورزی است مقابله کنیم. ناگزیریم در حل مسائل به رغم فرمان عادت که راههای تجربه شده را در نزدیکترین محل ممکن حافظه میگذارد مقابله کرده و راه حل های تازه جستجو کنیم. انسان امروز ناگزیر است بطور مستمر با قواعدی که اندیشه او را محدود به تجربه های قبلی میکند مقابله کند تا بتواند راههای خلاقانه را طراحی کند. به قول برتولت برشت انسان ناگزیر است بر هز آنچه طبیعی است انگشت بگذارد و بپرسد این از کجا آمده است .جلسات مشاوره روانشناسی آکنده است از رنج هایی که انسان امروز از این ثبات عادت ها میکشد و مملو است از رهنمودهایی که تلاششان اینست که به انسان کمک کنند با ذهن آفریننده خود از جنگال کلیشه های زندگی رها شود . یکی از فیلسوفان معتقد است که : سراسر تاریخ توصیف و توضیح فرایند حرکت انسان اغز هستی محض به شناخت و شناسایی است و در فرایند دائم و پیوسته ی این شناسایی است که به عقل و خود آگاهی و سر انجام به آزادی می رسد. (هگل –مهرنامه شماره ۵۰).به عبارت دیگر اگر آزادی عبارت از آنست که ما توانایی انتخاب داشته باشیم همواره این انتخاب محدود به حدودی است. ما انسانها هرگز قادر نیستیم خارج از قواعد هستی انتخابی داشته باشیم.بنابر این آزادی هرگز نمیتواند به معنای امکان و استعداد انتخاب بردون قید و شرط باشد. در واقع آنچه بشر در طول تاریخ با آن مشکل داشته است قید بندی هایی است که «بعضی « برای «بعضی « دیگر آفریده اند. برای رهایی از این قید و بند ها هیچ راهی جز خرد ورزی برای برون رفت از بن بست های فردی و اجتماعی وجود ندارد. و از اینجاست که کشف و درک ضرورت ها ارمغانی به نام آزادی از همه قیدهایی که «میتوان « از آنها رها بود را فراهم میاورد. این اکتشاف میسر نمیشود مگر به مدد اندیشه ای که از پیچ و خمهای پوسته «واقعیت «عینی و ملموس عبور کرده و در تراکیب ذهنی به احکام کلی تری که مبین « جریانها «هستند دست یابد.

یادداشت

ادامه نقدی بر ترجمه سید مسعود حسینی

حامد صفاریان

فیخته می‌خواست دیگران را متوجه این «علم» تازه کند و این علم را به ایشان عرضه کند. در این راه مشقات فراوانی را نیز متحمل شد و مورد تمسخر و دشمنی واقع شد. فیخته کوشش کرد تا نظام فلسفی خود را، یعنی همان فلسفه به مثابهٔ علمی جدید، یا همان «علم» را بصورت رسالاتی به جامعهٔ فلسفی عصر خود عرضه کند. حتی وقتی به او اجازهٔ تدریس در دانشگاه ندادند، در منزل خود بصورت خصوصی به دانشجویان خود، این «علم جدید» را درس می‌داد. برای این کار درسنامه‌هایی تدوین کرده بود که قرار بود عهده‌دار آموزش این علم تازه باشند. فیخته عنوان این درسنامه را گذاشته بود Wissenschaftslehre یعنی آموزه یا درس فلسفه یا همان آموزهٔ علم جدید که همان فلسفهٔ خودش بود. این واژه را در ترکیب عنوان کتاب باید در این معنا فهمید.

حال gesamt به چه معناست؟

فیخته درسنامه‌های خود را در چندین نوبت و در ویراست‌های فراوان تدوین کرد که بعضاً اختلافاتی با یکدیگر داشتند و بعضی از آن‌ها فاقد برخی بخش‌ها بودند که درسنامه‌های دیگر آن بخش‌ها را تکمیل می‌کردند. فیخته کوشش فراوان کرد تا از طریق این بازنویسی‌ها شکلی نهایی به فلسفهٔ خود بدهد. او چندین بار سعی کرد «کل» درسنامه‌ها و نوشته‌های خود در باب این فلسفهٔ جدید یا همان «علم» را به شکلی کامل و نهایی عرضه کند. سرانجام هم تا حدودی موفق شد و «آموزهٔ علم» یا همان درس فلسفهٔ خود را در یک هیئت تا حدودی نهایی عرضه کرد که همین کتابی است که موضوع بحث ماست. در این معنا، واژهٔ gesamt در واقع اشاره به همین نکته دارد: در این کتاب «شکل کامل» و «مجموع» درس‌های مربوط به فلسفهٔ فیخته (که همان علم جدید باشد) بصورت منسجم گرد آمده است.

اما Grundlage به چه معناست؟

از نظر فیخته، این کتاب نه خود این علم جدید به معنای کامل آن، بلکه صرفاً مقدمه یا درآمدی بر این فلسفه است و به همین جهت نیز فیخته مفهوم Grundlage را به آن اضافه کرد که معنای آن چنین است: این کتاب صرفاً در این مرحله یک مقدمه، درآمد، پایه یا بنیادی برای آن علم جدید یا همان فلسفه‌ای است که فیخته آن را علم می‌دانست و با این کتاب قصد «آموختن» آن به مخاطب را داشت. درست مانند کانت که کتاب مشهور خود در فلسفهٔ عملی را «تاسیس مابعدالطبیعهٔ اخلاقیات» نامید و نه مثلاً «مابعدالطبیعهٔ اخلاقیات» زیرا این کتاب صرفاً مدخلی بود بر اصل بحث که بعداً در کتاب‌های دیگر کانت در پی آمد.

با همهٔ این توضیحات اکنون خطاهای مترجم آشکار می‌شوند.

اولاً مترجم متوجه مفهوم gesamt و مقصود فیخته از آوردن این واژه در عنوان کتاب نبوده است و شاید بصورت تحت‌اللفظی آن را (از انگلیسی) به «فراگیر» ترجمه کرده است که این «فراگیر» نه از لحاظ دستوری ربطی به gesamt دارد (زیرا فراگیر در این ترجمه صفت آموزه است و از طرفی صفت فاعلی است در حالی که gesamt چنین نیست) و نه از لحاظ معنایی به آن مربوط است (که دلیل آن پیشتر ذکر شد). مترجم مفهوم واحد «آموزهٔ علم» را شکسته و مفهوم آموزه را متصف به صفت به غلط ترجمه شدهٔ «فراگیر» کرده است! ترکیب آموزهٔ فراگیر این معنا را به ذهن خواننده تداعی می‌کند که گویی این کتاب یک آموزه‌ای است که یک فراگیری یا جهانشمولی یا همه‌چیزدانی یا چیزی شبیه به این مشخصهٔ اصلی آن است، که البته مطلقاً چنین نیست. این خلط از جنس همان خلطی است که بسیاری در باب فصل آخر کتاب «علم تجلی روح» یا همان «پدیدارشناسی روح» هگل می‌کنند، چنان که گمان می‌کنند «دانش مطلق» یعنی همان das absolute Wissen به معنای دانشی است که شامل همه چیز می‌شود و نوعی فراگیری دارد که البته که چنین نیست و این خلطی بیش نیست و معنای دانش مطلق در آنجا چیز دیگری است. از طرفی مترجم گویا هیچ توجهی به معنای Wissenschaftslehre و ترجمهٔ اهل فن از این واژه نداشته است. اگر بخواهیم منظور فیخته را بسیار دقیق به فارسی برگردانیم، باید این ترکیب را به «فلسفهٔ فلسفه» یا «علم فلسفه» برگردانیم. مترجمان انگلیسی هم به این نکته احتمالاً توجه و دقت داشته‌اند عنوان کتاب را در انگلیسی به The Science of Knowledge ترجمه کرده‌اند.

فردریش فون هایک

نقد فلسفی اقتصاد سیاسی

روزبه گیلاسیان

ن ـ نظم اجتماعی خود انگیخته: (Spontaneous order)

هایک از تمثیل گذرگاه استفاده می کند تا امکان وجود نوعی نظم اجتماعی خودانگیخته را مطرح سازد. وی این اصطلاح را برای اولین بار در «اساسنامه آزادی» به کار گرفت اما بعدتر در کتاب «قانون ، قانون گذاری و آزادی» این نظریه را بسط داده و کامل تر کرد.

هایک مخالف این نظر است که کامل ترین و بهترین نظم، چیزی است که حاصل و نتیجه سازماندهی آگاهانه باشد. این همان تقابل نظم اجتماعی خودانگیخته و نظم اجتماعی سازمان یافته یا سازمان دهی شده در نظریه هایک است. هایک مخالف هر گونه سازمان دادن جامعه در کل است. او مخالف این ایده است که هر نظم اجتماعی یا هر نظم اجتماعی ارزشمندی بایستی شکل و صورت سازمان اجتماعی داشته و از جانب عقلانیتی برنامه ریزی شده حمایت شود.

از لحاظ هایک هیچ ذهن فردی، هیچ فرد نخبه و هیچ حزب سیاسی نمی تواند داعیه دانش و شناخت لازم برای بازسازی عقلانی کل جامعه را داشته باشد. هایک به نظریه تقسیم معرفت که یکی از روش های اساسی برای نقد به سوسیالیسم می باشد معتقد است. او مفهوم تقسیم معرفت را برای اولین بار در سال ۱۹۳۷ در مقاله مهمی در باره «اقتصاد و معرفت» مطرح کرد. تقسیم معرفت بدین معنا است که هر فردی از معلوماتی هم که در اختیار ندارد سود می برد. نظم اجتماعی خودانگیخته می تواند از شناخت تکه تکه، شناختی که در میان همه افراد توزیع شده است، به نحوی استفاده کند که از عهده نظم برنامه‌ریزی شده کل گرا خارج است. بر اساس این نظریه در نظم خودانگیخته، افراد در نوعی همکاری نادانسته از نادانسته های خویش نیز برای پیشبرد امور سود می جویند.

از نظر هایک مساله اقتصادی مهمی که جامعه با آن مواجه است، بر خلاف آنچه غالبا اقتصاددان ها در پی آن بوده اند، توزیع منابع مشخص در میان اهداف مختلف نیست ؛ بلکه مساله اصلی چگونگی تضمین بهترین استفاده از منابعی که هر یک از اعضای جامعه می شناسند، برای دستیابی به اهدافی است که تنها این افراد از اهمیت نسبی آنها آگاهند. یا به بیان بهتر، عبارت است از استفاده از دانشی که به طور کامل در اختیار هیچ فردی قرار داده نشده است.هایک می گوید باید اجازه داد جامعه نظم خودانگیخته خویش را بیابد. باید پرسید چه باید اجازه دهد و در صورت این اجازه دادن کلیت جامعه چگونه و از چه طریقی در این رابطه عاملیت می یابد؟ در اینجا هایک به همان دامی می افتد که خودش در روش شناسی خود از آن امتناع می کرد؛ یعنی شروع از افراد نه کلیات؛ اما جامعه چگونه می تواند به نظم خودانگیخته خود دست یابد؟ آیا درگیری و تنازع میان افراد درگیر در جامعه در هیات کلیات که هر یک در آن نقش بازی می کنند بدون برنامه ریزی و هیچ طرح عقلانی ای صورت می گیرد؟ در این صورت چه تفاوت و تمایزی مابین دخالت عقلانی افراد و دخالت دولت وجود دارد؟ چرا باید دولت را نهادی خارج از جامعه در نظر گرفت اما فلان شرکت با درآمد میلیاردی را جزئی از نظم خودانگیخته جامعه دانست؟

در نظم خود انگیخته مردم در چارچوب قواعدی به همکاری می پردازند که در طول قرن‌ها به محک تجربه خورده‌است و به سنت تبدیل شده است. از نظر هایک در نظم خودانگیخته قواعد چون از پایه‌ای تکاملی (چیزی نظیر نظریه داروین) برخاسته‌اند، سطح همکاری اجتماعی در آن‌ها به مراتب ظریف‌تر و پرمایه‌تر از همکاری در حد قواعد اختراعی و طراحی شده حاکمان یا روشنفکران است. همانطور که مشخص است هایک این نظم خودانگیخته را، نظمی خنثی و بی طرف متصور می شود. او نمی تواند روابط قدرت حاکم بر این تعادل را شناسایی نماید. همچنین هایک از بررسی تبعات یک نظم خود انگیخته برای افراد متضرر، طفره می رود. گویی در یک نظم خودانگیخته همگان در نوعی سود شریک می شوند در حالیکه در یک نظم سازمان یافته امکان ضرر همگان وجود دارد. البته هایک می تواند در اینجا از نوعی تکثر سازمان یافتگی دفاع کند و به این ترتیب طرح خویش از نظم خودانگیخته جامعه را به نوعی درگیری بی پایان نیروهای موجود در جامعه تبدیل نماید و از این طریق تنها مخالف نوعی نظم سازمانده دولت از بالا به عنوان تنها مرجع سازماندهی باشد؛ اما به هیچ وجه نمی تواند تضمینی به ما بدهد که نظم خودانگیخته حاصل درگیری متکثر نیروهای موجود در جامعه شرایط بهتری را بسازد. معلوم نیست در این نظم خودانگیخته گروه هایی له نشده و گروه هایی به واسطه ائتلاف یا منافع مشترک مسلط نشوند. در اینجا باید هایک پاسخ دهد به چه دلایلی (تجربی یا نظری) معتقد است نظم خود انگیخته بهترین نظم ممکن است و چه ترجیحی بین این نظم با سایر نظم های ممکن وجود دارد؟ هایک دو ویژگی برای نظم خود انگیخته بر می شمارد. اولا نظم خود انگیخته، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، از نظم معینی پیروی می کند و در ثانی این خودانگیختگی، برآمده (grown) است نه برساخته (made). هایک به آزادی اهمیت زیادی می دهد به همین دلیل از نظر او جامعه ای پیشرفت می کند که آزاد و مبتنی بر نظمی خود انگیخته باشد. او می گوید: «اگر بناست پیشرفت کنیم باید جایی برای آنچه پیش بینی ناپذیر است باز بگذاریم همچنین باید جایی برای تجدید نظر پیوسته در مفاهیم و آرمان های موجودمان بگذاریم.» از این جمله آخر چنین بر می آید که برای پیشرفت باید نظم موجود را نپذیرفته و به راه های ممکن دیگری پرداخت. باید در مفاهیم موجود و در نتیجه نظم حاکم بر مفاهیم، تجدید نظر کرد. شاید همین انگاره ها هست که هایک را از سایر «محافظه کاران» جدا می سازد. همان طور که گفته شد او به شدت از محافظه کار خوانده شدن خود انتقاد می کند. اما در هر حال هایک به ما نمی گوید چگونه هم می توان از نظم خودانگیخته حمایت کرد و هم برای پیشرفت به فکر تجدید نظر در مفاهیم بود؟ موتور محرک این نظم خودانگیخته چیست؟ چه کسی این پیشرفت را سبب می شود و اصولا چگونه می توان در این نظم خود انگیخته برای انسان نقشی قائل بود و چگونه می توان برای پیشرفت کردن در مفاهیم تجدید نظر کرد؟ و به راستی با چه معیاری می توان این وضعیت را نسبت به سایر وضعیت ها یک پیشرفت دانست؟

و ـ عدالت اجتماعی (Social Justice) :

هایک نه تنها با برابری اقتصادی مخالف است بلکه در معنایی خاص مخالف عدالت اجتماعی هم است. از نظر او در جامعه آزاد و در اقتصاد بازار مساله بی عدالتی اجتماعی اصلا نمی تواند یک مساله باشد . زیرا بی عدالتی اجتماعی به معنای توزیع ناعادلانه ثروت است حال آنکه در جامعه آزاد و در اقتصاد بازار توزیع ثروت توسط عمل شناخته شده ای صورت نمی گیرد از این رو نمی توان چیزی که نمی شناسیم را عادلانه یا غیر عادلانه بنامیم. توزیع ثروت حاصل بیشمار اعمال مبادله ای غیر طراحی شده و غیربرنامه ریزی شده است. بازار نوعی نظم اجتماعی آزاد و خودانگیخته است. در این صورت وقتی می خواهیم از بی عدالتی سخن بگوییم معلوم نیست از بی عدالتی چه کسی یا چه چیزی سخن می گوییم. اما این بدان معنا نیست که توزیع ثروت ناشی از این نظام، ناعادلانه نخواهد بود.

او همانند آدام اسمیت نظام حاکم بر بازار را همانند یک بازی می داند که یک قواعد بازی داریم و یک نتایج بازی و بحث عدالت به رعایت قواعد بازی مربوط می شود نه نتایج بازی. نتیجه بازی هر چه باشد عادلانه‌است. یعنی بحث عدالت در آن وارد نمی‌شود. حتی اگر یک بازیکن یا یک تیم شانس بیاورد و برنده شود و واقعاً استحقاق آن را نداشته باشد، نمی توانیم بگوییم این برد غیرعادلانه‌است. بنابراین در دیدگاه لیبرال ها نتایج بازار موضوع بحث عدالت نمی تواند باشد. هر گونه اقدام دولت یا سایر مراکز برای برقراری عدالت سبب اعطای اختیارات وسیع به حکومت می شود تا به بهانه عدالت اجتماعی بر زندگی مردم مسلط شوند. در نتیجه اندیشه عدالت اجتماعی متضمن تهدیدی جدی برای جامعه آزاد و حاوی نطفه نظام توتالیتر است. هایک حتی هیتلر و فجایع حزب نازی را نیز نمونه ای از دخالت سوسیالیستی و از نتایج آن می دانست . و از انجا که محور اندیشه‌های هایک مفهوم آزادی است او مخالف سر سخت هر گونه دخالت دولت یا سایر ارکان حکومت در نظم خودانگیخته بازار است.

هایک می پذیرد که توزیع ثروت در نظام بازار چنان است که اگر چنین توزیع ثروتی با طرحی پیشین انجام می شد می بایست آن را بسیار بسیار ناعادلانه خواند. اما در حالت موجود نمی توان صفت ناعادلانه را در خصوص آن به کار برد. هایک این نظام توزیع را به مانند نظام توزیع نابرابر ذخایر طبیعی نظیر نفت و معادن بر روی کره زمین می داند. نحوه تقسیم چون بر مبنای طرحی پیشینی نیست ناعادلانه نیست اگرچه تبعات این تقسیم می تواند به ناعدالتی منجر شود.معلوم نیست چرا هایک فرض می کند نظام توزیع ثروت، همانند توزیع منابع طبیعی، نظامی کور و فاقد نیت و فاعل است؟ چرا نباید مناسبات حاکم بر توزیع ثروت را شناخته و در مورد عادلانه یا ناعادلانه بودن آن بحث کرد. هایک به این خاطر عادلانه خواندن را صرفا در مرحله تبعات توزیع ثروت قابل بررسی می داند که اعتقاد ندارد نحوه مفید و برنامه حقیقتا درستی برای توزیع ثروت وجود داشته باشد که به عدالت نزدیک تر باشد. او همچنین حاضر نیست به شیوه ها و روش هایی اشاره کند که افراد و گروه های صاحب ثروت برای پیشبری اهداف شان در پیش می گیرند. این شیوه ها و روش ها قابل شناسایی و پیگیری است و همچنان که می توان از عواقب عادلانه یا ناعادلانه آنها حرف زد می توان از عادلانه یا ناعادلانه بودن این شیوه ها نیز صحبت کرد. با این حال هایک طرفدار سیاست آزادگذاری محض یا دولت کمینه نیست. او برخلاف اوکشات و نازیک طرفدار تمهیدات دولتی برای تامین حداقل درآمد برای تیره روزان و بداقبالان است. از نظر هایک این امر ربطی به عدالت اجتماعی یا شایستگی افراد برای دریافت چنین کمک هایی ندارد بلکه دلیل هایک تنها یک چیز است ؛کاهش درد و رنج این افراد. همان طور که می بینید هایک می پذیرد این افراد بدبخت و از نظر مالی فرودست، احتیاج به کمک دارند اما اولا نمی پذیرد که بدبختی آنها دارای علت مشخصی است ، بلکه او آنها را صرفا بداقبال می داند ؛ یعنی کسانی که در پروسه نظم خودانگیخته بازار نتوانسته اند به هر دلیلی صاحب سود و برتری شوند اینها نه مقصر هستند و نه کسی در قبال آنها مقصر است. اما جالب تر اینکه هایک با پذیرش اخلاقی کمک مالی به آنها، منبع کمک را نه نظم خود انگیخته بازار بلکه دولت معرفی می کند. همان دولتی که نباید به هیچ وجه نظم خودانگیخته بازار را به هم بزند اکنون باید به طریقی به جبران اثرات ناشی از آن بپردازد. می توان پرسید که چرا نباید به جای دولت همان نظم خودانگیخته یا برندگان و نفع برندگان از آن به چنین کمکی بپردازند؟ جواب هایک این است که این افراد را نباید مسببان این وضعیت دانست و در نتیجه نمی توان مسوولیتی را متوجه آنها کرد، در نتیجه دولت باید به این افراد ، آن هم از باب ترحم نه حقانیت ، کمک کند.

ه ـ قاعده رفتار عادلانه :

از لحاظ هایک در یک جامعه باز قانون به عنوان آنچه فرمانی از طرف یک حاکم باشد نباید وجود داشته باشد. بلکه قوانین باید یا توسط قوه مقننه وضع شود یا در شکل اصیل تر آن تکوین خود به خودی و خودانگیخته ای از قواعد رفتار(عادلانه) در جامعه باشند. از لحاظ هایک قواعد رفتار عادلانه چیزی است که به صورت تاریخی بدون آنکه وضع قانونی بر آن حاکم باشد از جانب مردم به رسمیت شناخته شده است ، به گمان هایک این امر تاریخی است به گونه ای که می توان گفت قانون قدمتی بیش تر از قانون گذاری دارد. خطری که در قانون گذاری به روش قوه قننه وجود دارد این است که اتکای این قوه به حکومت ممکن است، سبب شود، قوانین آن صورت «فرمان های» قابل تنفیذ بگیرند نه «قواعد رفتاری» انتزاعی قابل تنفیذ. به این ترتیب چنین شکلی از قانون سازی دامنه اداره امور حکومتی را به اداره امور کل جامعه می رساند و بدین ترتیب افراد بدل به «موضوع اداره کردن» می شوند. هایک تنها یک نوع برابری را می پذیرد و آن برابری در برابر قانون است.

هایک در قاعده رفتار عادلانه به نوعی حس یا شم عام (Common sense) متوسل می شود. از این رو تمام مشکلات این نوع و نحوه استدلال بر هایک هم وارد است. از جمله اینکه چه دلیلی دارد آنچه همگان عادلانه می خوانند را عادلانه بدانیم؟ در این صورت چگونه ممکن است در مفهوم عدالت پیشرفتی صورت داد؟ همچنین چگونه در بعضی موارد پیچیده می توان طریقه تبیین رفتار عادلانه را تشخیص داد و در مواردی که اجماع صورت نمی گیرد تکلیف چیست؟ در اینجا هایک ممکن است بگوید منظور از رفتار عادلانه چیزی است که همگان به محض مواجه با آن در صورت داشتن کمی انصاف به عادلانه بودن آن اذعان نمایند. اگر منظور از رفتار عادلانه چنین چیزهای عام و مشخصی باشد باید گفت نظریه هایک نمی تواند بسیاری از پدیده ها و امور پیچیده زندگی امروز را که علی الاصول بر سر فهم و قضاوت آن اختلاف هست را تبیین نماید.

ی ـ ناخشنودی از دموکراسی :

هایک علی رغم آنکه نظم خودانگیخته را امری نیکو در پیشبرد امور می داند و از قواعد منطبق بر رفتار عادلانه که به صورتی تاریخی تکوین یافته اند دفاع می کند با این حال از دموکراسی دل خوشی نداشته و نسبت به آن مشکوک است. او دموکراسی را «شکل دادن اکثریتی سازمان یافته برای حمایت از برنامه ای خاص به نفع گروه های خاص» می داند. او دموکراسی را نوعی دخالت در نظم خودانگیخته معرفی می کند. جالب است که خود هایک دست به کار شده و سعی می کند نسخه و تجویزی برای بهتر شدن امور بدهد. او پیشنهاد به ایجاد مجمع قانون گذاری ای می کند که وظیفه اش صرفا معین کردن قواعد رفتاری عادلانه ای است که باید در جامعه تنفیذ شود. این مجمع از مردان و زنان بین سن های ٤٥ تا ٦٠ و برای ۱۵ سال باید توسط مردم انتخاب و هرسال برای آن عده که سن شان بالای ٦٠ سال می شود ، دوباره رای گیری شوند.مجمع بعدی که باید تشکیل شود، مجمع حکومتی است که اعمالش توسط قواعد قابل تنفیذ رفتار عادلانه محدود و مقید می گردد. کارمندان دولت و مواجب بگیران دولت نباید در این انتخابات ، حق رای داشته باشند چون به نظر غیر معقول می آید که این افراد که خود ذی نفع می باشند، رای دهند که «چگونه مواجبشان از جیب دیگران پرداخت شود. »به این صورت هایک به عرصه دخالت در نظم خود انگیخته ای پای می گذارد که خود آن را از هر نوع دستبرد مصون می خواست. به این طریق او تنها یک چیز را ثابت می کند؛ اینکه برنامه ریزی ها به راستی می تواند بسیار مضحک و نابخردانه باشد. هایک باید جواب دهد که چرا افراد بین ٤٥ تا ٦٠ سال می توانند قواعد رفتاری عادلانه را معین نمایند؟ چون پخته تر و با تجربه تر هستند؟ در این صورت چرا نباید به جسارت و انگیزه های جوان تر ها بها داد؟ اصلا چرا نباید افراد بین ۳۵ تا ۵۰ سال را واجد فهم برای درک رفتار عادلانه دانست ؟ همچنین چه تضمینی به درستی و چه تضمینی به اجرای درست مصوبات وجود دارد؟ در نتیجه چیزی که هایک مطرح می کند بسیار خام و در نتیجه سبب مضحکه است ، بیش تر از آن رو که کسی که با هرگونه دخالت در نظم خود انگیخته و هر نوع ساماندهی این نظم مخالف است چگونه سعی می کند آن را به طریقی نظم داده و از بیرون سازمان دهد.